

# انتشار کتاب در جهان اسلام

میشل البین

ترجمه محمد نوری

اشاره: یکی از وجوه فرهنگ غنی اسلام، کتاب است، که ابعاد مختلف آن در دوره معاصر در این مقاله بررسی شده است. چاپ و نشر کتاب در جهان اسلام در دوره جدید از مباحث بسیار مهم و اساسی برای پژوهشگران فرهنگ عمومی مسلمانان و فرهنگهای تخصصی متفکران مسلمان است. خیزش مسلمانان و احیای اسلامی و بیداری جهان اسلام در تعامل تنگاتنگ با مقوله کتاب است.

دایرةالمعارف جهان اسلامی نوین<sup>۱</sup> *The Oxford Encyclopedia of the modern Islamic world* مقاله‌ای را به وضعیت چاپ و نشر کتاب در جهان معاصر اسلام اختصاص داده است. این مقاله را میشل البین با عنوان *Book Publishing* تدوین کرده، و در جلد اول مندرج است. البته به همه ابعاد مسئله پرداخته، ولی نکاتی مفید و اطلاعاتی مطلوب دارد. برخی مطالب و اندیشه‌های نویسنده قابل نقد است، که باید در مقاله دیگری به آن پرداخته شود. به هر حال، این مقاله، مجالی برای آگاهی از تحلیلهای نویسندگان غرب درباره مسائل کتاب در جهان معاصر اسلام است.

یکی از دلایل عقب ماندگی صنعت چاپ در جهان اسلام، تحقیر سنتی صنعت چاپ و نشر به وسیله نهادهای دینی بود. ابراهیم متفرقه (۱۶۷۴ - ۱۷۵۴)<sup>۲</sup> از پیشگامان چاپ در خاورمیانه، بیش از یک دهه برای ترغیب سلطان عثمانی و مقامات مذهبی عثمانی کوشید. وی این گونه استدلال می کرد که انتشار اسلامی نه تنها برای فرهنگ اسلام خطری ندارد،

صنعت چاپ کلیسا، از قرن هفدهم تا امروز را در برمی گیرد. نیز چاپ کتاب در موضوعهای غیر دینی، مثل کتابهای آموزشی، ادبیات و مجلات عمومی را شامل می شود، که همگی در استانبول قرن هیجدهم و انتشارات بولاق در قرن نوزدهم ریشه دارند. اما انتشارات در جهان اسلام، از اواسط قرن نوزدهم شروع شد و تا اواخر آن توسعه یافت. انتشارات در جهان اسلام، که آغازی فروتنانه داشته است، اینک حضوری فراگیر را در عرصه انتشارات در خاورمیانه به دست آورده است.

۱. این دایرةالمعارف به سرویراستاری جان اسپزیتو در چهار جلد با مشخصات ذیل چاپ شده است:

Newyork, Oxford University Press, 1995.

۲. ر.ک: دایرةالمعارف فارسی، ۱۵/۱.

بلکه به پیشرفتهایی می‌انجامد که به عثمانی در رویارویی با قدرتهای اروپایی سود خواهد رساند. در رساله‌ای که دربارهٔ صنعت چاپ (نگارش ۱۷۲۶) نوشته، می‌گوید: مسلمانان، در مقایسه با مسیحیان و یهودیان، متون مقدس را بهتر حفظ کرده‌اند. با این حال، در مصائبی سیاسی، مثل تهاجم مغول و خروج مسلمانان از اسپانیا، آثاری از بین رفته است.

چاپ و نشر، در جهت گسترش تعلیم و تربیت، منافی برای مسلمانان داشت: کتابها ارزانتر و فراوانتر در اختیار مردم قرار می‌گرفت. نیز برای خواندن آسانتر و بادوامتر بود. سلطان عثمانی برای تمهید این منافع مسلمانان، اعتبار کسب کرد. در عین حال، از انتشار آثار مبتذل و فاسد انتشار یافته در اروپا ممانعت کرد. سال بعد، ابراهیم متفرقه اجازهٔ چاپ و نشر یافت؛ به شرط آن‌که از انتشار آثار مذهبی اجتناب کند. وی این شرط را رعایت کرد. این‌گونه ممانعتها از چاپ آثار مذهبی، مانند قرآن، حدیث و فقه، چاپ و نشر آثار اسلامی را بیش از صد سال به تأخیر انداخت.

عالمان دین، که از تسلط خود بر نظام تعلیم و تربیت سستی مطمئن بودند، به بهبود وسایل ارتباطی، مانند صنعت چاپ و نشر، نیازی نمی‌دیدند، و خطبه‌های جمعه، مدارس دینی و دستنوشته‌های آموزشی، وسیله‌ای برای تقوای عمومی این فرهنگ بود. مسلمانان با اعتماد به نفس، ناخودآگاه آموزه‌های جدید دینی، نظیر عقاید ابن تیمیه (۱۲۶۳ - ۱۳۲۸ م) یا محمد بن علی السنوسی (۱۷۸۶ - ۱۸۵۹ م) را از طریق واعظان کارآمد یا حلقه‌های صوفی، که در سطح وسیعی نفوذ داشتند، فرا می‌گرفتند.

تا نیمهٔ دوم قرن نوزدهم فن چاپ و نشر در موضوعهای اسلامی در مناطق مرکزی امپراتوری عثمانی و ایران و به زبانهای اصلی جهان اسلام، یعنی فارسی، عربی و ترکی، ظهور نیافت. ابراهیم متفرقه و جانشینان بلافصل وی، از چاپ کتابهای اسلامی در استانبول خودداری کردند. در قرن نوزدهم انتشارات استانبول ویژگی غیراسلامی خود را حفظ کرد. گفتنی است که نشانه‌هایی وجود داشت که حاکی بود از واکنش زیرزمینی در برابر تجدد غربی و پیشرفت و نوآوریهای آن؛ نظیر تلگراف و کشتی بخار.

در مصر، به مسائل فنی جدید، تاریخ‌نگاری و ادبیات اهمیت داده می‌شد. محمدعلی پاشا (۱۷۷۰ - ۱۸۴۹ م) چاپخانهٔ مشهور بولاق را در سال ۱۸۲۲ م بنیانگذاری کرد. وی اهمیتی به گرایشهای دینی نداشت، لذا با استفاده از فن چاپ و نشر، قصد داشت دولتی کارآمد به وجود آورد؛ تا هم کشورهای اروپایی و هم سلطان عثمانی را خشنود نگاه دارد. از این‌رو، بولاق در دوران شکوفایی‌اش (۱۸۲۲ - ۱۸۴۰ م) بر چاپ و نشر کتابهایی که ارزش کاربردی داشت تکیه کرد، و کتابهای اسلامی را خیلی کم به چاپ رساند.

به گفتهٔ برخی محققان، در سال ۱۸۱۲ م در تبریز چاپخانه‌ای به راه افتاد. از این‌رو، حرکت صنعت چاپ و نشر آثار دینی در ایران زودتر از استانبول و قاهره آغاز شد؛ گرچه در آن‌جا هم بیشتر جنبهٔ غیردینی داشت. مدرکی وجود دارد که شخصی به نام منوچهرخان، کتابهای مذهبی را در تهران، در دههٔ ۱۸۲۰ م، چاپ کرده است. زاد المعاد، نوشتهٔ محمدباقر مجلسی، نویسندهٔ شیعی مذهب در قرن هفدهم، نزدیک به بیست نوبت در تهران و تبریز در سدهٔ نوزدهم منتشر شد. و در لکهنو هند نیز به طبع سپرده شد. با این حال، صنعت چاپ و نشر در ایران، حتی پس از تأسیس اولین مرکز آموزشی به سبک اروپایی، یعنی مدرسهٔ دارالفنون یا پلی تکنیک در ۱۸۵۱ م، به کندی گسترش یافت. نیاز به متون آموزشی و جزوات درسی و تکثیر ترجمه‌ها از زبانهای اروپایی در این مدرسه، ضرورت چاپ و نشر را ایجاب کرد. فن‌آوری چاپ و نشر فرصتی برای اشخاص غیردولتی بود تا کتابهای زیادی در موضوعهای دینی و غیردینی به بازار عرضه کنند. روحانیت، مجموعهٔ وسیعی از فرهیختگان و اشخاص بانفوذ را در بر می‌گرفت. آنها در به کارگیری صنعت چاپ کُند بودند، اما در جریان تحریم تنباکو در دههٔ ۱۸۹۰ م به ظرفیت و توان نشر پی بردند. ما دلایل این تحول را نمی‌دانیم، اما این را می‌دانیم که از آن هنگام آثار مذهبی همواره در ایران چاپ می‌شده و به فروش می‌رفته است.

نمی‌توان گفت از چه زمان «چاپ» به «نشر» مبدل شد. علت اول آن است که تمایز میان چاپ و نشر کاری است مشکل؛ و علت دوم این‌که در حیات فرهنگی سالهای میان ۱۸۶۰ تا

جامع از همه آثار منتشر شده، بسیار دشوار است. دشواریهای چاپ سنگی و مشکلات مقدماتی آن را در ۱۸۵۰ م باید به آن افزود.

فن آوری مطبعی ارزان، موجب شد تا مصر، ایران و ترکیه به نشر انبوه آثار مذهبی عمومی روی آورند. ناشران در صدد بودند آثار مهم دینی را، که رو به نابودی بودند، به چاپ برسانند. البته ناشران دولتی، کتابهایی را که برای کتابخانه‌ها ماندنیتر بود و مطلوبیت بیشتری داشت، چاپ می‌کردند.

می‌توان گفت خواست مسلمانان برای ترویج دین به رونق صنعت پیشرفته نشر انجامید. صرف نظر از این که این تحول چه هنگام رخ داد، منجر به فراوانی کتابها و تنوع موضوعها و تعدد چاپهای آنها از نظر جغرافیایی شد، که بررسی مختصر آن غیرممکن است. آثار اسلامی به دو گونه متفاوت ترائی (متون کهن) و دعوتی (نوشته‌های تبلیغی جدید) قابل طبقه‌بندی است، و ناشران در یکی از آنها تخصص دارند. یوسف البستانی، از ناشران مهم قاهره، پاره‌ای از نکات جالب توجه را درباره کتابهای نوع اول، در فهرستش به سال ۱۹۳۴ م مطرح می‌کند.

آثار ترائی به آثاری گفته می‌شود که کهن هستند و درباره علوم اسلامی مطالبی را بیان می‌کنند، و در نوبتهای مکرر تجدید چاپ می‌شوند؛ گاهی هم موضوعاتی داغ به چاپ سپرده می‌شود؛ مانند رسالة السنین نوشته مصطفی الکریمی که در ۱۹۲۱ م بر ضد وهابیت به چاپ رسید.

در سالهای بعد، ناشران خصوصی در بیروت و قاهره، به چاپ و نشر انبوه کتابهای ترائی و تبلیغی روی آوردند.

با افزایش سواد عمومی در جهان اسلام، سودآوری هر دو نوع کتاب افزایش یافت. همچنین ناشران مصر به دلیل نزدیکی شان به دانشگاه الازهر و دانشگاههای مرتبط با آن، از تأمین منابع ارزان قیمت درسی برای دانشجویان بهره‌مند شدند. البته ناشران با در نظر گرفتن همه نیازهای آموزشی، چاپهای متنوعی در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی در اختیار می‌گذاشتند؛ به گونه‌ای که موجودی کتابفروشیها و رونق آنها در منطقه الازهر گویای آن بود. کتابهای چاپ شده، مشتاقانه، به دیگر کشورهای اسلامی نیز ارسال می‌شد.

قرن بیستم، تحقیقات اندک است. چاپخانه‌های دولتی مهارتی در جلب نظرات خوانندگان نداشتند. از این رو، هیچ یک از چاپخانه‌های دولتی اولیه، به معنای واقعی، ناشر نبوده‌اند. انتشار کتاب، قبل از هر چیز، تجارت کتاب است، و ناشران موفق، به مرور منابع درآمد ثابتی از حقوق مؤلفان و منبعهای رسمی فراهم ساختند و در امور بازاریابی و جلب خوانندگان، به کارگیری ماشین‌آلات در تولید کتاب و بهینه‌سازی روشها مهارت یافتند.

اوضاع مصر در عصر عباس پاشا و اسماعیل، گویای این نکته است. دوره خدیو عباس (حکومت ۱۸۴۹ - ۱۸۵۴) و خدیو سعید (حکومت ۱۸۵۴ - ۱۸۶۳) دوران قهقرای صنعت چاپ و نشر بوده است. این دوران، دورانی پر آشوب در صنعت نشر مصر بوده است. ناشران بولاق، دوره احتضار سالهای پایانی حاکمیت محمدعلی را پشت سر گذاشته و با یافتن اعتماد به نفس، امور چاپ و نشر را با جدیت به ثمر رساندند. مضافاً این که ناشران دولتی و خصوصی در معاملات با یکدیگر به رقابت برخاستند و برای تولید و انعقاد قرارداد آثار مذهبی به زبانهای ترکی و عربی و آثار کهن ادبی از یکدیگر پیشی می‌جستند.

در این هنگام، روحانیت احتیاطات قبلی اش را به کنار نهاده بود. به منظور اثبات عملکرد آنان در سرمایه‌گذاری برای تولید کتاب، مدارک فراوانی وجود دارد. برای بهبود در جنبه‌های مالی و اخلاقی، غیر از آثار عبدالوهاب الشعرانی، عالم شافعی مذهب قرن دهم، آثار بدر المنیر رونق خوبی داشت. چهارده تألیف وی را در سالهای ۱۸۵۹ - ۱۸۶۱ م با هزینه شخصی در بولاق به چاپ رساندند. اولین کوششها برای چاپ و نشر قرآن نیز در این دوره انجام یافت، اما این کار پرمخاطره محکوم به شکست بود. دیگر کتابهای مهم چاپ شده در حیطة الهیات اسلامی عبارت‌اند از: صحیح بخاری (۱۸۶۳ م) که مجموعه‌ای اصیل از سخنان پیامبر اکرم ﷺ است؛ فتوحات مکیه نوشته ابن عربی (۱۸۵۷ م)؛ روح البیان فی تفسیر القرآن (۱۸۵۹ م) که کتابی معروف، و نوشته اسماعیل حقی است.

رونق صنعت چاپ و نشر آن قدر زیاد بود که ارائه کارنامه

ناشران دولتی نیز در این عرصه به انتشار کتاب ادامه دادند. برخی ناشران، نظیر مؤسسه کتاب مصری عام، از طریق فروشگاههای دولتی یا فروشندگان خصوصی، کتابهایشان را به بازار عرضه می‌کردند. دیگر ناشران، مانند وزارت فرهنگ یا سازمانهای اوقاف در عمان، مراکش و ایران، عملیات توزیع کتاب برای دانشجویان و دانشمندان را نیز متکفل بوده‌اند. چاپ آثار تراثی فن آوری پیچیده‌تری دارد، و ناشرانی همچون دارالغرب الاسلامی و دارالجیل در بیروت، به این فن آوری مجهزند.

واقعه اسف‌انگیز جنگ لبنان از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ م موجب گرفتاریهایی برای کسب و کار این ناشران شد، و در انتشارات اسلامی وقفه ایجاد کرد. به دنبال آن، مؤسسه بزرگی در خلیج و عربستان سعودی به منظور انجام وظیفه‌ای که در گذشته کمتر خواهان داشت، تأسیس شد، و نسخه‌های خطی با ارزش در خزائن یا در دست مردم را تجدید چاپ کرد. این کتابها - که بسیاری از آنها چندجلدی بودند - مزین به خطاطی و تذهیب، در کتابفروشیهای کشورهای اسلامی و غرب، به ویژه اروپا و آمریکا، برای هر بیننده‌ای جالب توجه بود.

ناشرانی تعلق خاطر به کتابهای تبلیغی جدید دارند، و برای خشنود ساختن خوانندگان علاقه‌مند، به چاپ آنها همت می‌گمارند. این‌گونه آثار دامنه وسیعی دارد و مشتمل بر نوشته‌های فکری عمیق فرهیخته در موضوعات حیات فرهنگی و معنوی اسلام است؛ مانند آثار محمد غزالی و محمد عماره، که دارالشروق منتشر ساخته است. دارالشروق، که در ابتدا دارالقلم نامیده می‌شد، به وسیله محمد المعلم، فارغ‌التحصیل دارالعلوم دانشگاه قاهره، در قاهره به سال ۱۹۶۱ م با جدیت آغاز به کار کرد، و سود فراوانی برد. موفقیتش توجه مقامات را در تشکیلات سوسیالیسم جمال عبدالناصر به سوی خود جلب کرد، و آن را ملی کردند. برای مدت کوتاهی، المعلم این انتشارات را اداره می‌کرد. پس از آن، با تکیه بر درآمد آثاری که چاپ کرد، سرمایه‌گذاری جدیدی نمود و دارالشروق را تأسیس کرد. المعلم به دلیل جسارتش، مدتی زندانی شد. بعد از آزادی، مصر را به مقصد بیروت ترک کرد، و پس از مرگ ناصر مجدداً به مصر

بازگشت. در بیروت به چاپ کتابهای تحریک‌آمیز نویسندگان مسلمان، مانند سید قطب، همت گماشت. هم‌اکنون دارالشروق در مصر، لبنان و عربستان سعودی به چاپ و انتشار مشغول است، و کتابهای تراثی و جدید را منتشر می‌کند.

امروزه هر یک از کشورهای اسلامی برای چاپ کتابهای تراثی و تبلیغی، مرکز چاپ و نشر دارند. همچنین در هر کشور مجله‌های عمومی مذهبی و فصلنامه وجود دارد. این مجلات طیفی وسیع را در برمی‌گیرند؛ از مجله‌الازهر گرفته، تا اظهارنظرهای سیاسی - اسلامی، که در روزنامه‌های مصر به چاپ می‌رسد.

مذهب، مشغله عمومی و سودآور برای ناشران و کتابفروشان ترکیه است. کتابفروشیهای استانبول پر از آثار ترجمه‌شده از عربی به ترکی است. هم‌اکنون نوشته‌های اسلامی، مانند آثار شهید سید قطب، در دسترس مسلمانان ترک است و آنان هنوز منتظر ترجمه و چاپ آثار نقیب محفوظ، نویسنده سرشناس مصر هستند.

آمار کتابهای مذهبی منتشر شده در جهان اسلام، یا در دسترس نیست، یا دقیق و مفید نیست. اما ناشران در منطقه متفقدند که آثار مذهبی در پانزده سال گذشته در صنعت چاپ و نشر سیطره داشته است.

مبالغه نیست اگر گفته شود که درآمد حاصل از کتابهای مذهبی است که بسیاری از ناشران و کتابفروشان را به فعالیت‌های سودآور جذب کرده است.

اخیراً ترجمه کتابهای کهن درباره دین اسلام، و ترجمه کتب آموزشی به انگلیسی رواج یافته است. در حال حاضر، آثار متعدد به زبان انگلیسی در علوم قرآن و تفسیر قرآن از مرحوم ابوالاعلی مودودی پاکستانی و محمد متولی الشعراوی مصری در دسترس قرار گرفته است. همچنین آثار گزیده‌ای از مجموعه‌های ادبیات اسلامی، زندگی پیامبر ﷺ، حدیث، اصول فقه و کتابهای راهنمای عبادات و زیارت و دیگر مناسک در اختیار قرار گرفته است. این آثار مدیون تلاش خاورشناسان غربی یا دانشمندان مسلمان، به ویژه اهل شبه قاره هند است. نیز آثار سید قطب و نویسنده ایرانی، دکتر علی شریعتی، متفکر مسلمان قرن بیستم در انگلستان در اختیار قرار

منابع

1. Aboussouan, Camille ed. *Le Liver et le Liban jusqu'a 1900*. Paris, 1982.
2. Albin, Michael W. "The Iranian Publishing Industry: A preliminary Appraisal." *Libri* 36.1 (1986). P. 1 - 23.
3. Albin, Michael W. "The Survival of the Bulaq Press under Abbas and Said (1848 - 63). *Interantional Journal of Orientalist Librarians*. 30 - 31 (1987). P. 11 - 17.
4. Berkes, Niyazi. *The Development of Secularism in Turkey*. Montreal, 1964.
5. Faruqui, Jalees A. *Reading Habits in Pakistan*. Karachi, 1974.
6. Heyworth - Dunne, James. *An Introduction to the History of Education in Modern Egypt*. London, 1939.
7. Peters, Rudolph. "Religious Attitudes towards Modernization in the Ottoman Empire: A Nineteenth - Century Pious Text on Steam - ships, Factories, and the Telegraph". *Die Welt des Islams* 26 (1986). P. 76 - 105.
8. Rypka, Jan. *History of Iranian Literature*. Dordrecht, 1968.
9. "Matba'a" (Printing Press). *In Encyclopaedia of Islam*, new ed. Vol. 6, P. 794 - 807.

گرفته است. این گونه آثار، که نویسندگان آنها شهید شده‌اند، زمانی در کشورهای خودشان ممنوع بوده است.

امروزه چاپ و نشر اسلامی در قالب نشریات سمعی و بصری همگانی ارائه می‌شود، و کارکرد مذهبی مسلمانان با روشهای جدید گزارش می‌گردد. فیلمسازان، نمایشهای مستندی از پرمایگی و غنای معنویت و فرهنگ مسلمانان جنوب شرقی آسیا تا غرب آفریقا برای تماشاگران انگلیسی‌زبان تهیه کرده‌اند. شکی نیست که این رسانه‌های گروهی تأثیر فراوان دارند. مثلاً نقششان در رساندن پیام آیت‌الله خمینی از تبعید به هم‌میهنانش، جداً قابل توجه است. مسلمانان در آمریکا از کانالهای خصوصی و عمومی تلویزیون استفاده می‌کنند. باید اذعان کرد که این نوع فعالیتها - در مقایسه با کارهایی که از ۱۵۰ سال پیش و از کتابفروشیهای کوچک آغاز شد - کارهایی نو هستند.